

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

۱۷ اکتوبر ۲۰۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم



## ترجمه و تفسیر سوره النساء (۸)

جزء ۴، ۵، ۶

سورة النساء / جزء ۴، ۵، ۶

سورة نساء در مدینه نازل شده، دارای یکصد و هفتاد و شش آیه و بیست و چهار رکوع است.

سپس میراث شوهر و زن را یادآور شده و فرمود:

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوَصُّونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَى بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ (۱۲)

و برای شما (مردان) نصف از ترکه ایست که زنهایتان از خود برجای گذاشته‌اند، اگر آنها اولاد نداشته باشند، ولی اگر اولاد داشته باشند، سهم شما یک چهارم از ترکه است، البته بعد از تنفیذ وصیتی که زنان به آن وصیت می‌کنند یا بعد از ادای دین (اگر دیندار باشند)، و (اما اگر شوهر وفات کرد) سهم زنان یک چهارم از ترکه شما است اگر فرزندی نداشته باشید، اما اگر فرزندی داشته باشید، سهم زنان شما یک هشتم ترکه شما است (لیکن) بعد از تنفیذ

وصیتی که شما به آن وصیت می‌کنید یا بعد از ادای دین (اگر دیندار باشید) و اگر مردی یا زنی که از او ارث برده شود کلاله باشد (یعنی والدین و فرزند نداشته باشد) و او برادر و خواهر داشته باشد، پس برای هر یک از آنان یک ششم می‌رسد، پس اگر (خواهر و برادر) بیش از یکی باشند همةشان در یک سوم مساویانه شریک‌اند، البته بعد از تنفیذ وصیت یا بعد از ادای دین، (به شرطی که) وصیت (وصیت کننده) به وارث ضرر نرساند، (این حکم) سفارشی از جانب الله است، و الله دانا (و) بردبار است. (۱۲)

### تشریح لغات و اصطلاحات:

«الرابع»: یک چهارم. «مما ترکن»: آنچه زنان بر جای گذاشته اند. «یوصین»: جمع مؤنث غایب، وصیت می‌کنند. «الثلث»: یک هشتم. «مما ترکتم»: آنچه شما مردان بر جای گذاشته اید. «توصون»: جمع مذکر مخاطب، وصیت می‌کنید، سفارش می‌کنید.

«دین»: وام، بدهی. «یورث»: ارث برده می‌شود، «یورث منه»: از او ارث برده می‌شود. «کلاله»: متوفائی که نه فرزند داشته باشد نه پدر. «امراة»: زنی. «الثلث»: یک سوم. «غیر مضار»: بی ضرر و زیان باشد، زیان آفرین نباشد. «ارث»: عبارت از انتقال مالکیت از میت به وارثان زنده اوست. چه ماترک، مال و دارائی منقول باشد، چه زمین و باغ و چه حقی دیگر از حقوق شرعی او.

### تفسیر:

«وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وُلْدٌ»: ای مردان! اگر همسرانتان از شما یا از شوهری دیگر دارای فرزند نباشند، شما نصف ماترک او را مستحق هستید.

«فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وُلْدٌ فَلَكُمْ الرَّبُعُ مِمَّا تَرَكَنَّ»: در صورتی که دارای فرزند (یا فرزند فرزند) باشند شما حق یک چهارم میراث را دارید، در این مورد به اجماع، فرزند پسر (نواسه) به فرزند بلافصل ملحق است.

«مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِيَنَّ بِهَا أَوْ دَيْنٍ»: بعد از انجام دادن وصیت و پرداخت دیون.

«وَلَهُنَّ الرَّبُعُ مِمَّا تَرَكَنَّ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وُلْدٌ»: اگر از آنها یا از زنان دیگر، دارای فرزند نباشید، زنانان یکی باشد یا بیشتر، یک چهارم ماترک شما را می‌برند.

«فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وُلْدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَنَّ»: اگر دارای فرزند باشید، از آنان باشد یا از دیگری، زنان شما یک هشتم ماترک شما را مستحقند.

«مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ»: بعد از انجام دادن وصیت و ادای قرض. تکرار کردن «وصیت» و «دین» نشان دهنده اهمیت آشکار آن دو می‌باشد.

«وَ إِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً»: اگر مرده بدون پدر و فرزندان پدر و فرزندان باشد، خویشاوندان دورش، به سبب فقدان اصل و فرع وارث او بشوند.

### یادداشت:

تفسیر «کلاله» نزد همه می‌تواند است که والد و ولد نداشته باشد؛ مگر امام اعظم (رح) پدر پدر و ولد پسر را نیز نفی می‌کند، و حکمی را که درباره پدر و پسر است، بر پدر پدر و ولد پسر، موافق می‌فرماید؛ این اختلاف از عهد اصحاب در بین علمای اسلام دایر می‌باشد.

«أَوْ امْرَأَةً»: عطف بر «رجل» است، به این معنی، اگر زنی بدون پدر و فرزند میراثی بر جای بگذارد، «وَأَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ»: و مرده دارای برادر یا خواهر مادری باشد، «فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا الشُّدُسُ»: برادر و خواهر مادری هر کدام، یک ششم ارث می برد.

«فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي التُّلُثِ»: اگر برادر و خواهر مادری بیش از یک نفر باشند، به طور مساوی یک سوم را در بین خود تقسیم می کنند و مذکر و مؤنث آنان یکسان سهم می برند.

در البحر آمده است: مفسران بر این مسأله إجماع دارند که منظور از این آیت برادران مادری است. «مَنْ بَعْدَ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ»: «اما پس از انجام وصیتی که بدان سفارش شده و پس از پرداخت قرضی که برعهده میت است، به شرطی که او زیان رسان نباشد.»

ضرررسانی در وصیت این است که به گونه ای وصیت شود که حق خویشاوندان مستحق ضایع شود. و ضرر رسانی در قرض و بدهی این است که آدم تنها برای محروم کردن صاحبان حق، فریبکارانه قرضی را برعهده بگیرد که در حقیقت برعهده او نیست، یا حيله و نیرنگ دیگری که هدف از آن محروم کردن صاحبان حق از میراث باشد به کار ببرد. چنین ضرررسانی گناه کبیره قرار داده شده است. چنان که در حدیثی آمده است که ضرررسانی در وصیت از گناهان بزرگ است. در حدیث دیگری هم آمده است که برخی در همای عمرشان کارهایی همانند کارهای اهل بهشت می کنند، اما با ضرر رسانی در وصیت هنگام مرگ کتاب زندگی خویش را بر عملی ختم می کنند که آنان را مستحق جهنم قرار می دهد. این ضرررسانی و تلف کردن حق گرچه در هر حال گناه است، اما خدای بلندمرتبه به این دلیل به ویژه در مسأله کلاله آن را ذکر فرموده که کسی که نه فرزندی داشته باشد و نه والدین او زنده باشند به طور عموم میل به این خواهد داشت که دارائی اش را به گونه ای تلف کند و خویشاوندان نسبتاً دور را محروم کند.

«وَصِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ حَلِيمٌ (۱۲)»: «این دستوری است از سوی خدا و خدا دانا و بینا و بردبار است.» در این جا صفت علم خدا به دو مناسبت ذکر شده است: یکی این که اگر انسان قانون خدا را زیر پا گذاشت نخواهد توانست از مجازات او بگریزد. دیگری این که سهامی را که خدا تعیین کرده است به طور کامل بجا هستند، چرا که مصلحت های بندگان را خدا حتی از خود آنان هم بهتر می داند و صفت حلم یعنی بردباری و رفق و مهربانی او به این دلیل ذکر شده است که بگوید خدا در وضع این قوانین سخت گیری نکرده است، بلکه قوانینی وضع کرده که برای بندگان هر چه آسان تر باشند و آنان در تنگنا و سختی قرار نگیرند.

### شان نزول آیت ۱۱ - ۱۲:

ائمة ششگانه (بخاری مسلم ترمذی نسائی، ابوداود و ابن ماجه) از جابر بن عبدالله (رض) روایت فرموده اند: رسول الله صلی الله علیه وسلم و ابوبکر صدیق در بنی سلمه پیاده به عیادت من آمدند. نبی کریم متوجه شده که من بیهوش افتاده ام. پس آب خواسته وضوء گرفته و به روی من آب پاشیده. آنگاه من به خود آمدم و گفتم: چه دستور می فرمائی، من مال و ثروت خود را چگونه بین وارثانم تقسیم کنم؟ بنابراین نازل شد. (صحیح است، بخاری ۴۵۷۷، مسلم ۱۶۱۶، ابوداود ۲۸۸۶، ترمذی ۳۰۱۵، ابن ماجه ۱۴۳۶ و ۲۷۲۸ و حاکم ۲ / ۳۰۳ از جابر روایت کرده اند.)

۲۶۴- احمد، ابوداود، ترمذی و حاکم از جابر (رض) روایت کرده اند: زن سعد بن ربیع حضور رسول الله آمد و گفت: ای رسول خدا! اینها دختران سعد بن ربیع هستند که پدرشان در غزوه احد شهید شد، عمویشان تمام اموال

اینها را گرفته و هیچ چیز برایشان باقی نگذاشته است و این دخترها اگر مال و ثروت نداشته باشند هیچ کس با آنها ازدواج نمی‌کند. پیامبر گفت: خدا در این مورد داوری و حکم خواهد فرمود. پس آیت میراث نازل شد. (حسن است، ابوداؤد ۲۸۹۱ و ۲۸۹۲، ترمذی ۲۰۹۲، ابن ماجه ۲۷۲۰ احمد ۳ / ۳۵۲، حاکم ۴ / ۳۳۴، واحدی ۲۹۸ و بیهقی ۶ / ۲۲۹ از جابر روایت کرده اند. ترمذی می‌گوید: حسن صحیح است. حاکم این حدیث را صحیح دانسته و ذهبی هم با او موافق است. این حدیث حسن است، زیرا مدار آن بر عبدالله بن محمد بن عقیل است و او احادیث حسن را روایت می‌کند).

حافظ ابن حجر گفته است: کسانی که می‌گویند: این آیت در مورد دختران سعد نازل شده است نه در مورد جابر استدلال می‌کنند که در آن هنگام جابر اصلاً فرزند نداشت. (فتح الباری) ۸ / ۲۴۴).

ابن حجر در جواب می‌گوید: این آیت در هر دو مورد نازل گردیده است. و این احتمال هم می‌رود که اول آن، در باره دختران سعد و آیت بعدی که این کلام عزیز است و «إِنَّ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً» در باره جابر نزول یافته باشد، در این صورت منظور جابر (از این که گفت: «آیة يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» نازل شد. این است که آیت کلاله که متصل این آیه است نازل شد.

**و سبب سوم هم آمده است:**

۲۶۵- ابن جریر از سدی روایت می‌کند: مردم در زمان جاهلیت به دختران و پسر بچه‌های خردسال و مردانی که نمی‌توانستند بجنگند میراث نمی‌دادند، عبدالرحمن برادر حسان شاعر درگذشت و پنج دختر و یک زن به نام ام کحه از او باقی ماند، ورثه آمدند که مال او را بگیرند. ام کحه جریان را به پیامبر عرض کرد. پس خدای بزرگ این آیت را «فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ» نازل کرد. و در مورد ام کحه این کلام عزیز «وَأَلْهِنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ» نازل شد.

در قضیه سعد بن ربیع وجه دیگری نیز آمده است:

۲۲۶- ک: قاضی اسماعیل در «أحكام القرآن» از طریق عبدالملک بن محمد بن حزم روایت کرده است: سعد بن ربیع در غزوه بدر به درجه رفیع شهادت نایل شد. او از همسرش عمره بنت حزام یک دختر داشت این زن نزد رسول الله آمد و میراث دختر خود را طلب کرد. پس در باره او آیت «وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ» (نساء: ۱۲۷) نازل شد.

**خوانندگان محترم!**

در آیات متبرکه (۱۳ الی ۱۴) در باره احکام و حدود الهی بحث بعمل می‌آید:

**تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۳)**  
آن (چه بیان شد) حدود و مقررات الله است، و هر کس از الله و رسول او اطاعت و پیروی کند، الله او را در باغ‌های داخل می‌کند که از زیر درختان و قصرهای آن نهرها جاری است، آنان برای همیشه در آن می‌باشند، و این است کامیابی بزرگ. (۱۳)

**تشریح لغات و اصطلاحات:**

«حدود الله»: جمع حد، شرایع و احکام الهی که برای بندگانش معلوم کرده است.

«الأنهار»: جمع نهر، جویباران، رودباران.

## تفسیر:

به تعقیب بحثی که در آیات قبلی در باره قوانین ارث به بیان گرفته شد اینک در آیت مبارکه از این قوانین به عنوان حدود الهی یاد کرده می فرماید:

**تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ:** این احکام که گذشت، شریعت و مقررات الله است، که آن را برای بندگان مشخص کرده تا آن را ملاک عمل خویش قرار دهند و از آن تجاوز نکنند. (یعنی احکام ارث، از حدود الهی است، پس نباید از مرز آن گذشت) زیرا عبور و تجاوز از آنها ممنوع است و آنها که از حریم آن بگذرند و تجاوزکنند، گناهکار و مجرم شناخته می شوند. یعنی: مرزهای تعیین شده اوست که تجاوز از آن ها روا نیست.

**حدود:** جمع حد، عبارت است از: قوانین و احکامی که خداوند متعال آنها را برای بندگانش وضع کرده است تا به آن عمل کنند و از آن تجاوز ننمایند. گاه حدود بر محرمانی اطلاق می شود که خداوند متعال آنها را منع کرده است، به همین جهت، مجازاتهای معین در شریعت، «حدود» نامیده شده اند.

«وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»: هرکس از فرمان الله اطاعت نماید و دستور بیان شده توسط پیامبر صلی الله علیه و سلم را اجراء کند، مکافات او نزد حق تعالی این است که او را به بهشتی که به اولیاء و دوستان خود ذخیره کرد گرامی می دارد این بهشت عبارت از باغها و بوستانهای زیبا و شگفت انگیز است که از زیر قصرها و ساختمانهای آن جویهای آب شیرین و گوارا جاری است. «خَالِدِينَ فِيهَا» و اینها در این بهشتها برای همیشه باقی خواهند ماند بدون این که دچار فنا شوند. آنها در این بهشتها در کمال صحت و برای همیشه باقی اند بدون این که دچار بیماری و یا کدورتی شوند، زندگی آنان بدون پیری است و ثروت آنها عدم نمی شناسد و امنیت آنها به گونه ای است که از هیچ چیزی نه می ترسند و نه دچار غم و اندوه می شوند. «وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۳)»: رستگاری و بختیاری بس بزرگ است. یعنی این که تمام احکامی که در آیات متبرکه فوق ذکری از آن به عمل آمد، درباره حقوق یتیمان و وصیت و میراث؛ همه قواعد و ضوابطی است که خداوند متعال مقرر کرده؛ هرکه احکام الهی را اطاعت کند، که در آن حکم وصیت و میراث نیز داخل می باشد، بهشت جاودان برای اوست و هرکه فرمان نبرد، از حدود الله متعال خارج خواهد شد و همیشه با ذلت در عذاب جهنم گرفتار خواهد بود.

## وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ (۱۴)

و هرکس نافرمانی الله و رسول او را کند و از حدود الهی تجاوز کند الله او را در آتشی داخل می کند که همیشه در آن می ماند، و برای او عذاب رسواکننده (اهانت آمیز) است. (۱۴)

## تشریح لغات واصطلاحات:

«يَعْصِ اللَّهَ»: خدا را نافرمانی کند. «يَتَعَدَّ»: تجاوز می کند. «مُهِينٌ»: خوار کننده، خفت آور.

## تفسیر:

باید متذکر شد که در این آیت به نقطه مقابل کسانی که در آیت قبل بیان شد اشاره کرده، می فرماید: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ»: باید گفت که: ملاک سعادت و شقاوت، همانا اطاعت یا نافرمانی نسبت به الله و رسول اوست، نه چیز دیگر و هرکس که از فرمان الله و پیامبرش سرپیچی کند و از اطاعت معین شده از جانب خدا تجاوز

نماید، با تغییر دادن این احکام، یا فرو گذاشتن عمل به آنها، «يُدْخِلُهُ نَاراً خَالِداً فِيهَا» او را برای همیشه در آتش جهنم قرار خواهد داد که هرگز از آن بیرون نمی آید.

و در پایان آیت به سرانجام آنها اشاره نموده می فرماید: «وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (۱۴) و آزار شدید را با خفت و خواری خواهد داشت و ذلت و سرافکندگی نصیبش خواهد شد.

نباید فراموش کنیم که متجاوزان به حقوق دیگران، در ردیف کفّار بوده و گرفتار عذاب جاویدان می شوند. قابل تذکر است که در آیت قبلی جنبه جسمانی مجازات الهی منعکس شده بود، و در این آیت که مسأله اهانت به میان آمده، به جنبه روحانی آن نیز اشاره به عمل می آید.

در حدیث شریف به روایت ابن مسعود (رض) آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «فرائض (علم میراث) را فراگیرید و آن را به مردم نیز تعلیم دهید زیرا من شخصی درگذشتنی هستم و همانا علم نیز برچیده خواهد شد و فتنه‌ها پدیدار خواهد گشت تا بدانجا که دوتن درباره فریضه میراث با هم اختلاف پیدا می کنند، اما کسی را نمی یابند که در مورد آن حکم کند».

خداوند متعال، با این آیات، مضامین هشدارهای پیشین را تأکید می کند که بیدار باشی است در بیان مراعات اموال یتیمان، احکام و دستورات میان همسران و چگونگی ارثیه و وصیت که همگی فرمان و قانون الهی به شمار می آید و خوشبختی خانواده را به همراه دارد. پس، جایز نیست کسی از حد و مرز این قوانین پا فراتر نهد و مرتکب خطا شود.

سرآغاز سوره تا این جا به سر و سامان زندگی جامعه اسلامی پرداخت و برای رهائی یتیمان و اموال و جانهایشان، قوانینی وضع کرد و چگونگی ارث را روشن نمود و سرانجام روی آوردن همگانی و خوشبختی را در امور زندگانی به مراعات حدود و قوانین الهی پیوند داد.

اینک آیاتی دیگر به گونه ای رسا به سر و سامان دادن و زدودن آلودگیهای جاهلی و مجازات بدکاران اشاره می کند و در ضمن بیان حقایق، راه بازگشت را برایشان هموار می سازد، تا هم خانواده و هم جامعه از آفت تباهی و بدنامی پاک و دور شوند و جز پاکیزگی چیزی نجویند.

خواننده محترم!

سعادت و رستگاری انسان در گرو حرکت در مسیر الهی است، مسیری که خداوند آن را با آزمایشات گوناگون توأم ساخته است و این آزمایشات را قرار نداده مگر به این علت که مدعیان ایمان را در صدق گفتارشان آزمایش کند. یکی از مهمترین آزمایشاتی که ما انسانها با آن درگیر هستیم رعایت حدود الهی است. حدود الهی یعنی گناهایی که خداوند ما را از نزدیک شدن به آن منع کرده است.

- خداوند در قرآن عظیم الشان کاملترین کتاب آسمانی برای این که اهمیت رعایت حدود الهی را به ما گوشزد کند به داستان حضرت آدم علیه السلام و حوا و شجره ممنوعه اشاره می کند. شجره ممنوعه حدودی بود که خداوند برای حضرت آدم علیه السلام و حوا تعیین کرده بود تا از این طریق آنان را بیازماید و شیطان این دشمن آشکار انسان، به وعده دروغ آنان را فریب داد و آدم علیه السلام و حوا را به تجاوز به حدود الهی دعوت کرد و نتیجه این تجاوز به حدود خدا چیزی جز محرومیت از رحمت الهی نبود.

- خداوند با اشاره به این داستان می خواهد از تاریخ و سرنوشت پدر و مادرمان آدم علیه اسلام و حوا درس عبرت بگیریم و نسبت به شناخت حدود الهی و رعایت آن کوشا و دقیق باشیم.

حضرت آدم که مسجود فرشتگان بود با فریب شیطان به حدود الهی تجاوز کرد و از جایگاه خود دور شد. آیا ما از این سرنوشت عبرت خواهیم گرفت .  
ادامه دارد